

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 1, Spring 2022, 331-353
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.36762.2269

A Critical Review on the Book **“Feminist Thought: A more Comprehensive Introduction”**

Khadijeh Keshavarz*

Abstract

“Feminist Thought: A More Comprehensive Introduction” by Rosemarie Tong and translated by Manizeh Najm-e araghi is a publication that offers us a clear and comprehensible understanding of the core feminist traditions. In this book, the author addresses seven feminist movements: liberal feminism, Marxist feminism, radical feminism, psychoanalytic feminism, socialist feminism, existentialist feminism, and postmodern feminism. This article seeks to show how informative and inspiring this book might be for the Iranian intellectual and scientific community. Tong’s publication is an important and popular figure in the English-speaking world and has the necessary coherence in terms of logical order. It is well structured and the Persian translation is smooth and fluid. Taking into account that the book was first published in 1989; the translated version leaves out some important feminist approaches. It lacks the proper structure of academic books, but in the absence of translations of other prominent feminist theory books, it is a useful resource for students and researchers in the fields of social sciences, philosophy, and women's studies. We hope that the editor of the Persian version takes into account

* Assistant Professor of Sociology, Department of Women’s Studies, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran, keshavarz@iscs.ac.ir

Date received: 14/10/2021, Date of acceptance: 20/02/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۳۳۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۱

the last English edition of the book (2017) and presents it to the readers in its next Persian editions.

Keywords: Feminist Theories, Twentieth Century Feminism, Feminist Movement, History of Feminism, Diversity of Feminism, Western Feminism.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال ۲۲، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۱، ۳۳۳ - ۳۵۳

خوانش انتقادی کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی

خدیجه کشاورز*

چکیده

کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی نوشته رزمی تانگ و ترجمه منیره نجم عراقی درکی روشن و قابل فهم از اصلی‌ترین سنت‌های فمینیستی به ما می‌دهد. نویسنده در این کتاب به هفت جریان اصلی فمینیستی پرداخته است: فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم رادیکال، فمینیسم روانکاوانه، فمینیسم سوسیالیستی، فمینیسم آگزیستانسیالیستی و فمینیسم پسا مدرن. مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که اثر تا چه حد برای فضای فکری و علمی ایران آموزنده و الهام‌بخش است. اثر کتابی مهم و مورد اقبال در دنیای انگلیسی زبان است و از نظر نظم منطقی مطالب انسجام لازم را دارد. کتاب خوش ساخت است و ترجمه‌ای سلیس و شیوا دارد. از آن جا که زمان زیادی از انتشار ویرایش اول کتاب (۱۹۸۹) می‌گذرد، برخی از رویکردهای مهم فمینیستی در نسخه‌ای که ترجمه آن در اختیار ماست، کمتر بازتاب یافته‌اند. کتاب فاقد ساختار مناسب کتاب‌های دانشگاهی است اما در غیاب ترجمه سایر کتاب‌های نظریه فمینیستی برجسته، منبع مناسبی برای دانشجویان و محققان حوزه علوم اجتماعی، فلسفه و مطالعات زنان است، امید است ناشر و مترجم در چاپ‌های آینده، آخرین ویراست کتاب (۲۰۱۷) را مورد توجه قرار دهند و به خوانندگان عرضه کنند.

* استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی، گروه مطالعات زنان، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران، keshavarz@iscs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: نظریه فمینیستی، فمینیسم قرن بیستم، تاریخ فمینیسم، جنبش فمینیستی، گوناگونی فمینیسم، فمینیسم غربی

۱. مقدمه

بسیاری از متفکرانی که در حوزه فمینیسم می‌اندیشند معتقدند که به رسمیت شناختن زنان به منزله یک گروه سرکوب شده اجتماعی پیش شرط ظهور نظریه فمینیستی است (لگیت، ۱۳۹۱: ۳)؛ واژه فمینیست نخستین بار در سال ۱۸۷۱ و در یک متن پزشکی به زبان فرانسه برای تشریح گونه‌ای وقفه در رشد اندام‌ها و خصایص جنسی بیماران مردی به کاررفته، که تصور می‌شده است بر این اساس از «از خصوصیات زنانه یافتن» تن خود در رنج اند (فرس، ۱۹۹۵، به نقل از فریدمن، ۱۳۸۱: ۶). سپس، الکساندر دومای پسر، نویسنده‌ای فرانسوی، جمهوری خواه و ضد فمینیست، این واژه را در جزوه‌ای چاپ سال ۱۸۷۲ همچون صفتی خوارکننده درباره مردانی به کار برد که چون از حفظ مردانگی خود ناتوانند، با آرمان زنان موافقت نشان می‌دهند (ریو سارسه، ۱۳۸۵: ۱۵) با این حال مطالعه نظریات فمینیستی ما را به این درک می‌رساند که در اندیشه‌ها، تاریخ و کاربست‌های فمینیسم هیچ وحدتی وجود ندارد (فریدمن، ۱۳۸۱: ۹). باید اذعان داشت که فمینیست‌های معاصر در مخالفت با سرکوب زنان متفق القولند اما درباره تصور ستمی که بر زنان می‌رود و شیوه نبرد با این سرکوب اتفاق نظر ندارند (آلیسون جاگر، ۱۹۸۳، به نقل از تانگ، ۱۳۸۷: ۳۰۰).

در ربع آخر قرن بیستم شاهد خیزش انبوه زنان علیه ظلم و ستم در سراسر جهان بوده‌ایم که به دلایلی که به بررسی موردی در هر کشور نیازمند است، در کشورهای مختلف شدت متفاوتی داشته است. این جنبش‌ها بر نهادهای جامعه و اساسی تر از آن بر آگاهی زنان عمیقاً تاثیر گذارده است. در کشورهای صنعتی، اکثریت وسیعی از زنان خود را با مردان برابر می‌دانند و خود را سزاوار حقوق خویش و داشتن کنترل بر جسم و زندگی خویش می‌دانند (Thebeaud, 2002 : 20) به باور مانوئل کاستلز جامعه‌شناس اسپانیایی تبار ساکن آمریکا و پژوهشگر جنبش‌های اجتماعی، جنبش زنان، مهمترین انقلاب است زیرا تا ریشه‌های جامعه و تا قلب کیستی ما پیش می‌رود (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۷۶). با وجودی که فمینیسم در بسیاری از کشورها حضور دارد و مبارزات زنان در سراسر دنیا رشد

خوانش انتقادی کتاب *نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیدجه کشاورز)* ۳۳۵

انفجار آمیزی یافته است، جنبش فمینیستی در کشورهای مختلف شکل‌ها و جهت‌گیری‌های بسیار متفاوتی دارد که بستگی به خاستگاه فرهنگی، نهادی و سیاسی آن دارد (همان: ۲۳۱). جنبش زنان در غرب پس از سال‌های ۶۰ میلادی با قدرت، پدرسالاری و قوانین و تصوراتش را به چالش کشید. همچنین با آزادی دسترسی به وسایل پیشگیری از بارداری و آزادی سقط جنین، زنان توانستند کنترل بر جسم و سکسوالیته خود را به دست آورند (20 : Thébeaud, 2002). در ایران نیز می‌توان نطفه‌های تلاش زنان برای تغییر را در زمان انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) باز یافت. بیش از ۱۱۵ سال است که زنان ایرانی در جست‌وجوی تغییراتی در مناسبات حاکم بر زندگی خود بوده‌اند. تلاش برای فهم این مناسبات و راه‌های برون رفت از آن دغدغه بخش مهمی از زنان ایرانی نیز بوده است.

در دهه‌های اخیر با گسترش تحصیلات عمومی و عالی و پررنگ‌تر شدن حضور اجتماعی زنان، علاقمندی برای نظریاتی که به تبیین موقعیت زنان در جامعه کمک کند بیش‌تر و بیشتر شده است. گواه ما انتشار کتاب‌ها و مقالات بسیار در حوزه فمینیسم و مطالعات جنسیت است. در حالی که از سال‌ها پیش در ایران از بحران کتاب و کتاب‌خوانی سخن گفته می‌شود، برخی از این کتاب‌ها به چاپ‌های متعدد رسیده‌اند: کتاب *درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی* تا کنون به چاپ هشتم رسیده است، کتاب *زنان در روزگارشان (تاریخ فمینیسم در غرب)* نوشته مارلین لگیت و ترجمه نیلوفر مهدیان توسط انتشارات نی به چاپ نهم رسیده است. کتاب‌های *از جنبش تا نظریه اجتماعی (تاریخ دو قرن فمینیسم)* نوشته حمیرا مشیرزاده و *زنان در تکاپو (فمینیسم و کنش اجتماعی)* نوشته شیلا روباتام و ترجمه حشمت‌الله صباغی توسط نشر شیرازه به چاپ‌های متعدد رسیده است. بر این فهرست می‌توان افزود^(۱). همه این‌ها نشانگر علاقمندی جامعه ایرانی به جنبش و نظریه‌هایی است که در طول قرن بیستم چهره جهان را دگرگون کرده‌اند^(۲). کتاب *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی* نوشته رزمیری تانگ و ترجمه منیژه نجم عراقی در این فضا توسط انتشارات نی در سال ۱۳۸۷ ترجمه و منتشر شده است. نگارنده تلاش می‌کند با مطالعه انتقادی این اثر در این مقاله به این پرسش پاسخ دهد که این کتاب تا چه حد برای فضای فکری و علمی ایران آموزنده و الهام‌بخش است؟

۲. معرفی اثر

در طول دو قرن که از آغاز جنبش زنان و صد و سی سالی که از مطرح شدن اصطلاح فمینیسم در اشاره به این جنبش می‌گذرد، نظریه‌های مختلف و گاه متعارضی در تبیین فرودستی زنان، برداشت‌های متنوع و متفاوتی از وضعیت مطلوب و آرمانی برای زنان و کل جامعه، دستورکارهای متفاوت و بعضاً متضادی در جنبش و شیوه‌ها و راه‌های متفاوتی برای نیل به اهداف مورد تاکید قرار گرفته است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۶)، زمانی شاخصه فمینیسم فعالیت سیاسی غیرنهادینه به شکل تظاهرات و اعتصاب بوده است، در مواردی در چهارچوب سیاست روزمره و نهادینه عمل کرده، و سرانجام به ویژه در چهار دهه اخیر، بیش از هر چیز به سمت مبارزات فرهنگی و گفتاری در قالب نظریه‌پردازی اجتماعی حرکت کرده است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۸).

کتاب‌ها و مقالات زیادی در حوزه مطالعات زنان و فمینیسم به دنبال فهم و توضیح نظریه‌های فمینیستی در بستر مبارزات و تلاش‌های زنان در قرون نوزده و بیست میلادی برآمده‌اند؛ کتاب *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی* نوشته زمری تانگ یکی از این کتاب‌هاست که تلاشی در جهت فهم گونه‌گونی اندیشه‌ها و نظریه‌های فمینیستی است. کتابی که این‌جا به بررسی آن می‌پردازیم در سال ۱۹۸۹ نوشته شده است. این کتاب منبعی کلاسیک در حوزه نظریات فمینیستی است و به ما درکی روشن و قابل فهم از اصلی‌ترین سنت‌های نظریه فمینیستی می‌دهد. کتاب در زبان انگلیسی و توسط انتشارات وست‌ویو (Westview) در آمریکا و راوتلج (Routledge) در انگلستان، در چاپ‌های متعددی منتشر شده است. به نظر می‌رسد کتاب در زمینه و زمانه‌ای به چاپ رسیده است (اواخر دهه ۱۹۸۰) که کم‌کم با نهادی شدن مطالعات جنسیت و مطالعات زنان در دانشگاه‌های کشورهای غربی روبرو می‌شویم و محتوای کتاب در این دوره به روشنی توانسته است، به ضرورت فهم و شناخت چشم‌اندازهای اصلی نظریه فمینیستی پاسخ دهد. علت انتخاب این اثر برای نقد، جامعیت و اعتبار آن به عنوان کتابی مهم و موردقبال در دنیای انگلیسی زبان و نیز زبان فارسی است. از آن‌جا که زمان زیادی از انتشار چاپ اول کتاب می‌گذرد، برخی از رویکردهای مهم فمینیستی در نسخه‌ای که ترجمه آن در اختیار ماست، کمتر بازتاب یافته‌اند. گرایش‌هایی که ما تحت موج سوم فمینیسم می‌شناسیم در دهه ۱۹۹۰ به بعد در میان گفتمان‌های فمینیستی جای خود را باز کرده‌اند، بنابراین غیاب

خوانش انتقادی کتاب *نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیدجه کشاورز)* ۳۳۷

برخی از گرایش‌های فمینیسم معاصر در زمان چاپ اول کتاب، طبیعی است. چاپ‌های بعدی کتاب و به ویژه چاپ پنجم کتاب (در سال ۲۰۱۸) علاوه بر جریان‌های اصلی فمینیسم به تحولات فمینیسم در چهار دهه اخیر نیز پرداخته است. در چاپ پنجم کتاب، بخش جدیدی تحت عنوان موج سوم فمینیسم به کتاب افزوده شده است. موضوعاتی هم چون نظریه کوپیر و نظریه پردازان فمینیست‌های رنگی در ایالات متحده و جهان، فمینیسم پسااستعماری و فراملی، فمینیسم مراقبتی و اکوفمینیسم اضافه شده‌اند (Tong & Fernandes Botts, 2018) که برخی از آن‌ها مانند فمینیسم مراقبتی از جمله دغدغه‌های جدی خود نویسنده در دهه‌های اخیر است.

۳. معرفی نویسنده

رزمری تانگ فیلسوف فمینیست آمریکایی است. او در سال ۱۹۴۹ در شهر شیکاگو متولد شد، پدربزرگ پدری او مهاجری چک بود. تانگ در مقطع لیسانس مطالعات مذهبی و آلمانی در کالج مری گراو (Mary Grove) تحصیل کرد و سپس با رساله‌ای درباره فیلسوف آلمانی ویلهلم دیتای (Wilhelm Ditley) فوق لیسانس خود را در رشته فلسفه از دانشگاه کاتولیک (Catholic University) دریافت نمود. دوره دکترای خود را در دانشگاه تمپل (Temple) گذراند، عنوان رساله دکترایش «به سوی بازسازی منطقی حقوق کیفری انگلیسی-آمریکایی: دفاع از عدم صلاحیت عقلانی مجانین»^(۳) است. تانگ هم اکنون استاد برجسته بازنشسته اخلاق مراقبت‌های بهداشتی از دانشکده فلسفه دانشگاه کارولینای شمالی، شارلوت در آمریکا است. موضوعات پژوهشی مورد علاقه او در حال حاضر بر اخلاق زیستی، اخلاق مراقبت‌های بهداشتی، ژنتیک و فناوری‌های باروری متمرکز است. از او کتاب‌ها و مقالات متعددی (۳۰ کتاب و بیش از ۱۰۰ مقاله) به شکل مستقل یا با همکاری با دیگران منتشر شده است. برخی از مهمترین آثار او عبارتند از: چشم اندازهای نو در اخلاق مراقبت بهداشتی: رویکردی میان‌رشته‌ای و بینافرهنگی^(۴) (۲۰۰۶)؛ رویکردهای فمینیستی به اخلاق زیستی: تاملات نظری و اقدامات عملی^(۵) (۱۹۹۶)؛ زنانه و اخلاق فمینیستی^(۶) (۱۹۹۳)؛ زنان، جنس و قانون (چشم‌اندازهای جدید فمینیستی)^(۷) (۱۹۸۹)، اخلاق در تحلیل‌های سیاستی (مجموعه اخلاق شغلی)^(۸) (۱۹۸۶) است. کتاب حاضر یکی از اصلی‌ترین کتاب‌های اوست. آخرین ویراست کتاب در سال ۲۰۱۸ و توسط انتشارات

راوتلج در آمریکا منتشر شد. از رزمی‌تانگ به همراه نانسی ویلیامز و آن دانچین کتاب دیگری با عنوان اخلاق زنانه‌نگر توسط مریم خدادادی و نشر ققنوس در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است.

۴. خلاصه اجمالی کتاب

کتاب دارای مقدمه، و نه فصل شامل نتیجه‌گیری است. در هر کدام از فصول به یکی از هفت جریان اصلی فمینیسم پرداخته می‌شود؛ البته مباحث مربوط به فمینیسم رادیکال در دو فصل ارائه شده است. در زیر به مباحث کتاب به ترتیبی که در فهرست کتاب مرتب شده‌اند خواهیم پرداخت:

مقدمه: در مقدمه نویسنده به تمایزهای اندیشه‌های مختلف فمینیستی می‌پردازد. او تقریباً همه اندیشمندان فمینیست را به یکی از هفت نحله فمینیسم؛ لیبرال، مارکسیست، رادیکال، روانکاوانه، سوسیالیست، اگزیستانسیالیست و پسامدرن منتسب می‌کند. او معتقد است که مرزهای میان نگرش‌های گوناگون فمینیستی ساختگی است. او با ذکر نمونه جولیت میچل توضیح می‌دهد که انتساب «برچسبی» مطمئن به بسیاری از اندیشمندان فمینیست دشوار است. به همین دلیل او دو بار و در دو فصل جداگانه به بررسی آرای جولیت میچل می‌پردازد: یک بار او را به عنوان فمینیستی روانکاو مورد بررسی قرار می‌دهد و بار دوم به عنوان فمینیستی سوسیالیست. او اذعان می‌کند با وجود این که دسته بندی‌ها از محدودیت و تحریف مبرا نیستند، اما برای کار تحلیلی سودمندند.

فصل اول: فمینیسم لیبرال. نویسنده برای توضیح اندیشه فمینیسم لیبرال به پیشینه این اندیشه‌ها و ارتباط آن‌ها با لیبرالیسم کلاسیک و لیبرالیسم رفاه‌جو می‌پردازد. نویسنده در این فصل به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا خصلت فمینیستی فمینیسم لیبرال رو به افزایش دارد؟ وی با گزینش چهره‌هایی مانند مری ولستون کرافت، جان استوارت میل، هریت تابلور و بتی فریدان به عنوان چهره‌های شاخص لیبرال فمینیسم در پی کسانی است که جریان اندیشه آنان از فرضیات کم‌تر فمینیستی متعلق به لیبرالیسم کلاسیک فاصله می‌گیرد و به فرضیات فمینیستی‌تر لیبرالیسم رفاه‌جو نزدیک می‌شود. تانگ در این فصل به تحولات فمینیسم لیبرال از قرن هجدهم تا قرن بیستم می‌پردازد. اگر فمینیسم لیبرال قرن هجدهم آموزش مشابه مردان را موجب رهایی زنان می‌داند، فمینیسم قرن نوزدهم که

خوانش انتقادی کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیدجه کشاورز) ۳۳۹

در آرای جان استوارت میل و هریت تایلور مطرح می‌شود آموزش مشابه برای مردان و زنان را ناکافی می‌داند و حقوق مدنی و فرصت‌های اقتصادی برابر را موجب برابری زنان و مردان می‌داند. تانگ نشان می‌دهد که بتی فریدان از مطرح‌ترین چهره‌های فمینیسم لیبرال قرن بیستم، در دهه شصت میلادی معتقد است که قوانینی فارغ از جنسیت می‌توانند برابری میان دو جنس را تضمین کنند، اما در دهه هشتاد به این نتیجه می‌رسد که برابری زن و مرد به معنای رفتار مشابه با آن‌ها نیست. کتاب با نشان دادن تغییرات نظری بتی فریدان نشان می‌دهد که فمینیسم لیبرال در انکار تفاوت‌های میان زنان و مردان و پافشاری بر قوانین فارغ از جنسیت و یا سیاست‌های کور جنسیتی راه خطایی را در پیش گرفته است اما لیبرال فمینیسم هم‌چنان با این پرسش مواجه است که آیا اختصاص مزایای ویژه به زنان به نفع آنان است؟ آیا راهی وجود دارد که با زنان متفاوت اما برابر رفتار شود؟ (۵۴-۵۵).

فصل دوم: فمینیسم مارکسیستی. این فصل با مروری بر اندیشه‌های فریدریش انگلس آغاز می‌شود. تانگ نشان می‌دهد که مارکسیست فمینیست‌ها از برخی مفاهیم نظریه مارکسیستی برای تغییر مناسبات زن و مرد سود می‌جویند. مفاهیمی مانند طبقه، آگاهی طبقاتی، آگاهی کاذب و ازخودبیگانگی نقش مهمی در اندیشه فمینیسم مارکسیستی بازی می‌کنند. فمینیست‌های مارکسیست گرچه جنسیت و طبقه را به عنوان عوامل ستم بر زنان به رسمیت می‌شناسند اما به اعتقاد آنان تحلیل طبقاتی در نهایت بهتر از عهده تبیین موقعیت و کارکردهای زنان بر می‌آید. وجه تمایز فمینیسم مارکسیستی در این است که تمامی زنان اعم از کارگر و بورژوا را به این دعوت می‌کند که ستم بر زنان را بیش از آن که نتیجه اقدام ارادی افراد بدانند به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ملازم با سرمایه‌داری نسبت دهند (ص ۷۳). تانگ با نقل نقدهای الیسون جاگر نویسنده سوسیال فمینیست نشان می‌دهد که تلاش فمینیست‌های مارکسیست «پیوند دادن تحلیل فمینیستی ستم جنسی ویژه زنان با چارچوب اصلی نظریه مارکسیستی، و گنجانیدن سلطه طبقاتی و سلطه جنسیتی در یک قالب تحلیلی واحد است.» اما به نظر جاگر این امر ممکن نیست چون به رغم مشابهت‌ها «شکل ستمی که کارگران استثمار شده تجربه می‌کنند با ستمی که بر زنان شوهر دار یا بر روسپیان می‌رود یکسان نیست» (ص ۱۱۰). همان‌طور که تانگ نشان می‌دهد مسئله رابطه میان کار خانگی و اشتغال، مسئله مارکسیست فمینیست‌ها در قرن بیستم بوده است و از این رو مباحثی چون اجتماعی شدن خانه‌داری و پرداخت دستمزد به ازای کار خانگی را مطرح کرده‌اند. یکی دیگر از حوزه‌های تلاش

۳۴۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۱

فمینیست‌های مارکسیست تلاش در جهت برابری دستمزد برای زنان و مردان است که به جنبش هم ارزی معروف است.

فصل سوم: فمینیسم رادیکال و مباحث تولید مثل و مادری؛ نویسنده به دلیل گستردگی مباحث فمینیسم رادیکال، آن‌ها را در دو فصل ارائه می‌دهد: فصلی که به مباحث تولید مثل و مادری می‌پردازد و فصلی که به مباحث مربوط به جنسیت و میل جنسی. در این فصل نویسنده ابتدا به نویسندگانی می‌پردازد که باروری زنان را علت ستم بر زنان می‌دانند. او در این جا اندیشه‌های شولامیت فایرستون، اوکلی و آرای منتقدانش چون مری ابرین و آدرین ریچ را شرح می‌دهد.

فصل چهارم: فمینیسم رادیکال و مباحث جنسیت و میل جنسی. فمینیست‌های رادیکال بیش از فمینیست‌های لیبرال و مارکسیست توجه عمومی را به شیوه‌های کنترل مردان بر بدن زنان جلب کرده اند و از سوی دیگر به شیوه‌هایی پرداخته اند که مردان به کار می‌گیرند تا میل جنسی زنان نه در خدمت زنان بلکه در خدمت خواسته‌ها، منافع و امیال مردان باشد (صص ۱۲۱-۱۲۰). در این فصل به آرای کیت میلِت یکی از بنیان‌دفاع از آندروژنی، مریلین فرنیچ و مری دیلی پرداخته شده است که از جستجوی آندروژنی آغاز کرده اند ولی در نهایت مری دیلی به دفاع از «فرهنگ زنانه» رسیده است.

فصل پنجم: فمینیسم روانکاوانه نویسنده ابتدا شرحی از نظریات فروید و برخی نو فرویدی‌ها ارائه می‌دهد و به نقدهای فمینیست‌ها بر آراء او می‌پردازد. تانگ چهار گونه فمینیسم روانکاوانه را از هم متمایز می‌کند: نخستین گروه روانکاوان فمینیست به اتفاق زیستی‌نگری فروید را مردود شمرده‌اند و به جای آن بر تأثیراتی که تجربه و فرهنگ بر شکل‌گیری هویت و رفتار جنسیتی زنان دارد تاکید کردند. تانگ در این جا به آرای آلفرد آدلر، کارن هورنای و کلارا تامپسون می‌پردازد که هر سه تجربه جنسی زنان (و مردان) را ساخته و پرداخته جامعه می‌دانند. گروه دوم مانند دوروتی دینرستین و نانسی چودورو به جای عقده ادیپ که در توجه به آن زیاده روی شده است به مرحله پیش ادیپی می‌پردازند که در آن پیوند مادر با کودک شدیدترین حالت را دارد. کارول گیلیگان در گروه سوم قرار دارد که به جای ضعف‌های اخلاقی زنان که بسیار محل بحث بوده است توجه خود را به نقاط قوت اخلاقی زن معطوف می‌کند و سرانجام گروه چهارم با بازنگری

خوانش انتقادی کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیدجه کشاورز) ۳۴۱

در مفهوم عقده ادیپ برای آن معانی غیر مردسالارانه قائل می‌شود. تانگ جولیت میچل را در این گروه قرار می‌دهد و به آرای او می‌پردازد.

فصل ششم: فمینیسم سوسیالیستی؛ در این فصل ابتدا نویسنده به کلارا زتکین مبارز مارکسیست آلمانی و هم‌رزم لنین می‌پردازد و پس از آن با مروری بر نظریات فمینیسم رادیکال و فمینیسم روانکاوانه ضعف آن‌ها در تبیین ستم‌دیدگی زنان را توضیح و در قدم بعدی دو رویکرد اصلی فمینیسم سوسیال نسبت به سرمایه‌داری و مردسالاری را شرح می‌دهد. جولیت میچل و هایدی هارتمن، هوادار نظریه دو سیستمی، معتقدند مردسالاری و سرمایه‌داری، دو گونه رابطه اجتماعی جداگانه و دو مجموعه منافع جداگانه‌اند که هر گاه با هم تلاقی کنند زنان را به شدت تحت ستم قرار می‌دهند. جاگر یکی از نظریه‌پردازان سیستم‌های وحدت یافته باور دارد «از خود بیگانگی» مفهومی است که می‌تواند چارچوب نظری توانمندی فراهم آورد به گونه‌ای که دیدگاه‌های اصلی اندیشه‌های فمینیستی مارکسیست و رادیکال و حتی لیبرال در آن گرد آیند.

فصل هفتم: فمینیسم اگزیستانسیالیستی با نگاهی به کتاب جنس دوم سیمون دوبوار (۱۹۴۹) آغاز می‌شود و برای فهم بهتر اندیشه‌های دوبوار به آثار ژان پل سارتر و به ویژه به کتاب هستی و نیستی او پرداخته شده است. سپس نقدها به کتاب جنس دوم بیان می‌شوند از جمله تاکید دوبوار بر اسطوره‌ها و انگاره‌ها و ارائه ندادن راهبردهای عملی برای آزادی‌بخشی؛ نگاه قومیت‌گرا و مردمحور دوبوار و گرایش او به تعمیم تجربه زنان بورژوازی اروپایی (ص ۳۱۳). نویسنده ضمن جدی دانستن نقدهای الشتاین و لوید سهم دوبوار را در اندیشه فمینیستی برجسته می‌کند.

فصل هشتم: فمینیسم پسامدرن: نویسنده ریشه‌های فمینیسم پسامدرن را دو سنت فلسفی اگزیستانسیالیستی و سنت فلسفی ساخت‌شکنانه و متأثر از اندیشه‌های دو فیلسوف بزرگ فرانسوی ژاک لاکان و ژاک دریدا می‌داند و به شرح اندیشه‌های سه نویسنده زن فرانسوی هلن سیکسو، لوس ایریگاری و ژولیا کریستوا و تمایزها و شباهت‌های اندیشه‌های آنها می‌پردازد. پس از آن مانند فصول گذشته انتقادهای نسبت به فمینیسم پسامدرن را مطرح می‌کند. چنان که در کتاب می‌بینیم، در اندیشه فمینیست‌های پسامدرن زن «دیگری» است اما به جای این که این وضعیت را حالتی بدانند که باید از آن به در آمد و فراتر رفت، مزیت‌هایی برای آن قائلند. به نظر آنان «وضعیت «دیگر بودن» به زنان

۳۴۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۱

امکان می‌دهد که از جایگاهی بیرونی به نقد هنجارها و ارزش‌ها و رفتارهایی پردازند که فرهنگ مسلط (مردسالاری) در صدد تحمیل آن بر همگان است. بنابراین «دیگر بودن» با همه ستم و تحقیری که تداعی می‌کند وضعیتی ستم بار و حقیر نیست بلکه حالتی از هستی و اندیشه و گفتار است که راه را برای بی‌پردگی، تکثر، تنوع و تفاوت باز می‌کند (همان: ۳۴۹-۳۴۸).

فصل نهم: نتیجه گیری. فصل نتیجه گیری کتاب بیشتر طرح مواضع نویسنده در برابر نظریه‌هایی است که به شرح آن‌ها پرداخته است. نویسنده نگاهی همدلانه با اغلب نظریه‌های مطرح شده در کتاب دارد. با وجودی که او همدل با جاگر توضیح سوسیال فمینیست‌ها از ماهیت و کارکرد ستم را کامل تر از بقیه نحله‌های فمینیسم می‌داند اما می‌گوید همراه با فمینیست‌های پسامدرن این هراس را دارد که مبدا موضعی که زن اختیار می‌کند باز هم جلوه دیگری از تعابیر احلیلی یا کلامی از کار در آید (ص ۳۷۵).

۵. نقد شکلی اثر

کتاب با عنوان *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی* در سال ۱۳۸۷ توسط نشر نی به چاپ رسیده است. کتاب از روی چاپ اول آن که در سال ۱۹۸۹ به زبان انگلیسی توسط انتشارات وست‌ویو در آمریکا منتشر شده است، توسط منیژه نجم‌عراقی (متولد ۱۳۳۱) به زبان فارسی برگردانده شده است. مشخص نیست مترجم محترم که آشنایی بسیار خوبی با حوزه مطالعات جنسیت دارد و کتاب‌های دیگری در این حوزه به فارسی زبانان ارائه کرده است، چرا چاپ نخست را برای ترجمه برگزیده است در حالی که در زمان انتشار کتاب به فارسی، چاپ‌های دیگری از کتاب وجود داشته است.

کتاب در ۴۲۴ صفحه، با قطع رقعی و با جلد شومیز به چاپ رسیده است. از نظر کیفیت چاپی، فنی و صحافی، کتاب زیبا و خوش ساخت است. حاشیه‌بندی، صفحه‌بندی و حروف‌چینی کتاب به شکل حرفه‌ای و مناسب به نظر می‌رسد. طرح جلد اثر لیوانی است سفید که بر زمینه آن عنوان کتاب درج شده است که به نظر ارتباطی با محتوای اثر پیدا نمی‌کند؛ نظریات فمینیستی از دل جنبشی پویا و مبارزه‌ای طولانی برخاسته است. این نظریات هر چه باشند کمتر می‌توانند با آرامش و بی‌دغدغه به هنگام صرف قهوه خوانده شوند. متن کتاب، هیچ‌گونه تصویر، جدول، نقشه یا نموداری ندارد. فهرست مطالب

خوانش انتقادی کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیدجه کشاورز) ۳۴۳

به صورت تفصیلی در چهار صفحه آمده است. کتاب شامل یادداشت مترجم، قدردانی نویسنده، مقدمه، نه فصل، واژه نامه، کتابشناسی و نمایه است.

مترجم در ابتدای کتاب در یادداشتی سه صفحه‌ای به مشکلات ترجمه و معادل سازی برای چند اصطلاح تخصصی اشاره کرده است. ترجمه اثر سلیس و روان است. نگارنده متأسفانه به متن اصلی اثر (چاپ ۱۹۸۹) که ترجمه از روی آن انجام شده است، دسترسی نداشت و علیرغم جستجوی فراوان موفق به دریافت آن نشد؛ بنابراین در این مقاله امکان ارزیابی وفاداری مترجم به متن اثر در توان نویسنده این سطور نیست. اما با بررسی واژه‌نامه آخر کتاب، به نظر می‌رسد واژه‌های تخصصی با دقت انتخاب شده‌اند، همچنین از آن‌جا که مترجم کتاب، کتاب‌های دیگری در حوزه فمینیسم و مطالعات جنسیت از زبان انگلیسی به زبان فارسی برگردانده است، می‌توان گفت که او بر ادبیات مطالعات جنسیت و مطالعات زنان احاطه دارد^(۹). ترجمه کتاب حتی در فصول مشکل کتاب، بسیار روان است. کتاب دارای واژه‌نامه‌ای فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی است که واژه‌های تخصصی استفاده شده در متن را به محقق و دانشجوی علاقمند نشان می‌دهند و برای محققان حوزه مطالعات جنسیت بسیار راهگشاست. نمایه آخر کتاب، نمایه مفصل و کاربردی است.

در کتاب غلط‌های دیکته‌ای و تایپی دیده نمی‌شود. نکات ویرایشی مانند آغاز پاراگراف‌ها، نقطه‌گذاری و گیومه در ابتدا و انتهای نقل قول‌ها به درستی رعایت شده‌اند. کتاب پانوشته‌های خوبی دارد که فهم مباحث کتاب را برای خواننده آسان می‌کند. پانوشته‌ها به خوبی ترجمه شده‌اند و در مواردی که نویسنده منبع را ذکر کرده است، مترجم منبع را به شکل کامل انگلیسی آورده است تا امکان جستجوی متن اصلی برای خوانندگان میسر باشد.

مترجم نیز هر جا مطلبی را برای خواننده فارسی زبان ناآشنا دیده است، در پانوشته به توضیح آن پرداخته است، به عنوان مثال بدون توضیح مفصل مترجم در پاورقی صفحه ۱۸۳ منظور نویسنده از اصول اخلاقی مورد استدلال موافقان و مخالفان ممنوعیت هرزه‌نگاری فهمیده نمی‌شد. با این حال مترجم برای کاهش حجم پانوشته‌های هر صفحه از آوردن نام لاتین افراد مانند فایرستون، میچل، ایریگاری و ... خودداری کرده است که ایراد قابل ذکری است زیرا نوشتن نام لاتین در پانوشته به نحوه درست خواندن نام در متن

فارسی و جستجو در کتابنامه کمک می‌کند. کتاب شناسی آخر کتاب به شکل کتاب‌شناسی گزیده ارائه شده است. بر ما معلوم نیست که آیا در متن اصلی نیز کتاب‌شناسی به همین شکل ارائه شده یا نتیجه مداخله مترجم است. این شکل کتاب‌شناسی که منابع مرتبط با هر فصل به شکل جداگانه ارائه شده‌اند، می‌تواند به خواننده کمک کند تا با منابع مطالعاتی مربوط به هر فصل آشنا شود.

۶. نقد محتوایی

کتاب از نظر نظم منطقی مطالب انسجام لازم را دارد. به استناد محتوای کتاب، نویسنده نگاهی همدلانه با اغلب نظریه‌های مطرح شده در کتاب دارد. برای او هر کدام از نظریه‌های مطرح شده در هر هفت سنت نظری فمینیسم، بر غنای این جنبش افزوده‌اند از این‌رو دیدگاه‌های مختلف را به طور نسبتاً شفافاً شرح داده است. محتوای کتاب و اهداف نویسنده با پیش‌فرض‌های فلسفی او در جنبش فمینیسم متناسب است. در زمینه نقد روش‌شناختی باید گفت که محتوای کتاب مروری بر نظریه‌ها و اندیشه‌های مکاتب مختلف فمینیسم است از این رو نیازمند شرح دقیق هر نظریه، تحلیل و تفسیر دقیق انتقادات و بی‌طرفی در بیان آنهاست. نویسنده لحن بی‌طرفانه خود را حفظ کرده‌است تنها در مقدمه و فصل نتیجه‌گیری نظر شخصی خود را توضیح می‌دهد؛ به نظر او توضیح سوسیال فمینیست‌ها از ماهیت و کارکرد ستم بر زنان کامل‌تر از بقیه نحله‌های فمینیسم است اما توضیح می‌دهد نگاه کثرت‌گرای فمینیسم پساامردن نیز راهگشا است (ص ۳۷۵). او خود بر ضرورت بیان تجربیات همه زنان از جمله زنان رنگین‌پوست و زنان طبقه کارگر آگاه است و می‌گوید نظریه فمینیستی هنگامی به بهترین وضعیت خود می‌رسد که بازتاب تجربه زندگی همه زنان باشد (ص ۳۷۶).

از نظر تحلیل و بررسی اثر باید گفت کتاب به شکل مستدل و مستند درکی روشن و قابل فهم از اصلی‌ترین سنت‌های نظریه فمینیستی ارائه می‌دهد اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، کتاب از روی متن سال ۱۹۸۹ ترجمه شده است، بنابراین در آن زمان بسیاری از مباحث ضروری دنیای امروز از جمله مسائل زنان در کشورهای غیر غربی که مورد توجه نظریه پردازان فمینیست امروز است کمتر امکان طرح یافته‌اند. یکی از اشکالات کتاب حاضر این است که اکثر نظریه‌پردازانی که به نظریات آن‌ها پرداخته شده است،

خوانش انتقادی کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیدجه کشاورز) ۳۴۵

نظریه پردازان سفیدپوست متعلق به دنیای انگلیسی زبان هستند. به جز در فصل فمینیسم آگزیستانسیالیست و پسامدرن که به اندیشمندان فرانسوی پرداخته شده است، در بیش تر فصل ها تاکید بر بررسی نظریات فمینیست های انگلیسی زبان است و حتی فمینیست های فرانسوی زبان و آلمانی زبان نیز از بررسی نویسنده دور مانده اند. در زمان نوشتن کتاب، فمینیست های سیاه و کوئیر و نیز اندیشه های پسااستعماری حضور پررنگی در فضای سیاسی، اجتماعی و فکری جهان داشتند و الهام بخش جنبش های فمینیستی در کشورهای دیگر بوده اند، اما در کتاب اثری از حضور نظریه پردازان فمینیست متعلق به این نحله ها نیست (ایرادی که در ویراست پنجم و اضافه شدن فصول جدید برطرف شده است).

یکی از اشکالات کتاب این است که در هر فصل و هر مبحث متفکران کلیدی آن حوزه معرفی شده اند اما به جز در فصل فمینیسم لیبرال کمتر به نقش و جایگاه این متفکران در بطن جنبش فمینیستی اشاره شده است. نویسنده در فصل فمینیسم لیبرال دغدغه ها و نظر مستقل خود را دنبال می کند و به نقد نظریات متفکران مورد بررسی خود می پردازد. او با بازخوانی اندیشه های پیشگامان فمینیسم لیبرال، رد پای نظریه امروزی فمینیسم لیبرال را در اندیشه های آنان جستجو می کند و ضعف و قوت های نظریه آنان را به نقد می نشیند. در این فصل نشانه ای از نوعی «جامعه شناسی نظریه های فمینیستی» به معنای بررسی زمینه مند هر اندیشه و توجه به بستر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ای که نظریه در آن پدیده آمده است، می بینیم، موضوعی که متأسفانه در فصل های دیگر به فراموشی سپرده می شود. هر چند در اغلب موارد آثار مهم هر متفکر و نظریه پرداز بررسی شده اند، اما کم تر به زمینه ای که اثر در آن منتشر شده و نیز نفوذ اثر در زمان خود، پرداخته شده است. حتی ما با تاریخ های مهم زندگی هر نظریه پرداز مثل تاریخ تولد و یا مرگ او در کتاب آشنا نمی شویم تا همین اطلاعات اندک، تصویری از زمانه و زمینه ای که هر متفکر در آن زندگی و اندیشه کرده است، به مخاطب ارائه دهد. به نظر می رسد توضیح نظریه برخی از این اندیشمندان بدون قرار دادن آنان در متن و زمانه ای که اندیشه ها در درون آن بیان شده اند، ما را از فهم درست این اندیشه ها باز می دارد. به طور مثال اندیشه های متفکران پست مدرن مانند سیکسو، اریگاری و کریستوا به عنوان اندیشمندان فمینیست تفاوت گرا معرفی می شوند اما این موضوع که این اندیشمندان در خصوص مطالبات زنان در موارد مشخص به طور مثال حقوق مربوط به زایمان چه موضعی دارند، بر خواننده معلوم نمی شود.

یکی دیگر از نقدهای وارده به کتاب این است که بر خلاف ادعایی که نویسنده در مقدمه مطرح می‌کند در فصول مختلف کمتر نشانی از ارتباط میان جریان‌های مختلف فمینیستی می‌بینیم، گویی هر نظریه نه تنها نسبت به شرایط و زمینه اجتماعی و سیاسی خود در حلاء تولید شده است بلکه نویسنده به جز اشاراتی در انتهای هر فصل و نقد نظریه، ارتباطی میان جریان‌های اندیشه فمینیستی برقرار نمی‌کند.

یکی از جذابیت‌های این کتاب ارجاعاتی است که گاه نویسنده به برخی از دوستان و همکارانش می‌دهد که بحث یا نکته‌ای را در کتاب به او یادآوری کرده اند (به طور مثال پانوشت ص ۳۵۳). این موضوع ضمن این که نشان دهنده قدردانی نویسنده از کسانی است که در جریان نوشتن کتاب به او یاری رسانده‌اند، نشان می‌دهد که کتاب در گفتگویی مداوم با دوستان و همکاران نویسنده و با دغدغه بهبود کار نوشته شده است. این نکته برای نگارنده آموزنده و الهام‌بخش بود. همکاری‌های این چنینی می‌تواند نویدگر مناسباتی باشد که همکاران زن و مرد و به ویژه زنان در فضایی دوستانه بتوانند به همدیگر یاری کنند و امکان حضور بیشتر و موثرتر در اجتماع علمی را برای یکدیگر فراهم کنند.

نگاهی اجمالی به فهرست منابع کتاب نشان می‌دهد که حدود سیصد و پنجاه کتاب و مقاله در رشته‌های مختلف علوم انسانی از تاریخ، جامعه‌شناسی، فلسفه، روانشناسی، اقتصاد و مطالعات رسانه مورد استناد قرار گرفته‌اند. با توجه به سال انتشار کتاب (۱۹۸۹)، منابع زیادی تا نیمه دهه هشتاد میلادی را شامل می‌شود. از این نظر این کتاب ارزش و اعتبار علمی بالایی دارد. همانطور که اشاره شد کتاب در چاپ‌های بعدی و به ویژه چاپ پنجم و آخر (۲۰۱۸) که با همکاری تینا فرناندز بوتس (Tina Fernandes Botts) بازنویسی شده است، تغییرات و اصلاحاتی کرده است که به غنای مباحث کتاب افزوده است. چاپ پنجم شامل برخی مرتب‌سازی‌ها، بازنگری‌ها و اضافه کردن مباحث دیگری به کتاب است. با نگاهی به فهرست مطالب چاپ پنجم می‌بینیم که شیوه ارائه مباحث کتاب نیز تغییراتی یافته است. کتاب با مقدمه، ۹ فصل و یک نتیجه‌گیری صورتبندی شده است: لیبرال فمینیسم در سه زیر فصل موج اول، موج دوم و موج سوم ارائه شده است. رادیکال فمینیسم این بار در یک فصل و در دو زیر فصل تحت عناوین رادیکال فرهنگی و رادیکال آزادی خواه (Libertarian) معرفی شده است. فصل سوم به فمینیسم مارکسیتی و سوسیالیستی می‌پردازد و فصل چهارم به فمینیسم‌های رنگی در ایالات متحده می‌پردازد.

خوانش انتقادی کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیدجه کشاورز) ۳۴۷

فصل پنجم به فمینیسم‌های رنگی در صحنه جهانی می‌پردازد و آن‌ها را در سه قالب فمینیسم‌های جهانی، پسا استعماری و فراملی مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل ششم به فمینیسم روانکاوانه می‌پردازد و آن‌ها را در سه گروه کلاسیک، معاصر و فرانسوی طبقه‌بندی می‌کند. فصل هفتم به فمینیست‌های مراقبتی می‌پردازد. فصل هشتم به اکوفمینیسم می‌پردازد و آن‌ها را در دسته‌های طبیعت [گرا]، معنوی، تحول بخش، جهانی، گیاه‌خوار و زیست محیطی، طبقه‌بندی می‌کند. فصل نهم به فمینیست‌های آگزیستانسیالیست، پسا ساختاری و پست مدرن می‌پردازد. با نگاهی به تغییرات انجام شده به نظر می‌رسد که ویرایش جدید کتاب بسیار شمول‌گراتر از نسخه‌ای است که ترجمه آن در دست ماست و امید می‌رود که مترجم و ناشر محترم کتاب، در چاپ‌های آینده، به ترجمه این ویرایش همت گمارند.

۷. نقد و تحلیل جایگاه اثر در ایران

از آن‌جا که آثار حوزه علوم انسانی از بستری متفاوت برخاسته‌اند عمدتاً با این انتقاد روبه‌رو می‌شوند که با ارزش‌های اسلامی یا شرایط تاریخی اجتماعی ایران هماهنگ نیستند. اما باید دانست که آگاهی از نظریه‌ها و ذخیره اندیشگانی جهانی به معنای پذیرش بی‌چون و چرای آنها نیست. تلاش برای فهم نظریات در کنار نقد آنها و تلاش برای استفاده از لژهای مفهومی برای دیدن مسائل بومی و برقراری ارتباط با بستر و زمینه مورد نظر است که یک تلاش علمی را ارزشمند می‌کند. هر چند همانطور که پیشتر به آن اشاره شد، رویکردهای پسا استعماری، فمینیسم اسلامی و نظریه‌پردازان فمینیست مسلمان از دایره بررسی کتاب به دور مانده‌اند اما می‌دانیم که در برخی کشورهای اسلامی جنبش قدرت‌مندی حضور دارد که با رویکردهای نو به قرآن و سنت و سیره پیامبر (ص) تلاش دارند عدالت جنسیتی را در جامعه خود ساری و جاری سازند، شناخت این اندیشه‌ها می‌تواند به ما در فهم جنسیتی از مسائل بومی زنان کشورهای اسلامی یاری رساند. برخی از مباحثی که در کتاب مطرح شده‌اند، مسائل امروز ما نیز هست. بحث‌هایی مانند تساوی یا تفاوت، مصالحه کار و زندگی، تقسیم کار جنسی، کنترل باروری، برخورد با روسپیگری، فنون باروری و مادری میانجی، کار خانگی، بیمه زنان خانه‌دار، ارتقای حرفه‌ای، فقر زنان و خشونت علیه زنان مسائلی جهانی هستند که به ما نیز

مربوط می‌شوند. شناخت و فهم نظریات کسانی که به این موضوعات اندیشیده‌اند و تجربیات خود و دیگر زنان را مستند کرده‌اند، می‌تواند آموزنده و الهام‌بخش باشد. به‌طور مثال برخی نکاتی که فمینیست‌های مارکسیست در مورد ضرورت اجتماعی کردن کار خانگی و نیز مطالبه دستمزد برای کار خانگی، مطرح می‌کنند، مسائلی است که در جامعه امروز ما نیز مطرح می‌شود. بارها مسائلی مانند بیمه زنان خانه‌دار در برخی ارکان قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کشورمان مطرح شده است، مطالعه دقیق نظریه‌ها و تجارب مارکسیست فمینیست‌ها و سوسیال فمینیست‌ها و نقدهای مثبت و منفی درباره نظریه‌های آن‌ها می‌تواند به تصمیم‌سازان و مدیران برای اتخاذ تصمیم مناسب و متناسب با شرایط زنان در کشور ما یاری رساند.

از سوی دیگر در فضای عمومی و حتی دانشگاهی ایران، کلیشه‌ها نسبت به نظریات و جنبش‌های فمینیستی پر رنگند و تحصیل‌کردگانی که قرائتی تند، رادیکال، مردستیز و خانواده‌ستیز از فمینیسم را عمومیت می‌بخشند، در اقلیت نیستند. کتاب درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی می‌تواند بسیاری از کلیشه‌های موجود را به چالش بکشد و گونه‌گونی نظریات فمینیستی و تنوع فکر و عمل را در میان این جنبش به ما نشان دهد.

کتاب به عنوان کتابی دانشگاهی طراحی نشده است و با آن که در انتهای هر فصل جمع‌بندی آن آمده است اما فاقد سوالات و پیشنهادهای برای تحقیق بیشتر است، با این حال مطالعه کتاب برای دانشگاهیانی که به مسائل زنان و جنسیت علاقمندند و دغدغه بهبود حقوق و جایگاه زنان را دارند، نیز می‌تواند الهام‌بخش باشد. همچنین این کتاب برای دانشجویان و محققانی که به دنبال فهم پیچیدگی‌های مباحث فمینیسم معاصر باشند، منبع مفیدی است و به فهم بهتر تفاوت چشم‌اندازهای فمینیستی یاری می‌رساند.

۸. نتیجه‌گیری

کتاب درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی بیش از هر چیز به ما نشان می‌دهد که با نظریه فمینیستی واحدی سر و کار نداریم. به گفته یکی راندال نویسنده فمینیست «بسیار دشوار است عقایدی اساسی را مشخص کنیم که دست کم بعضی از کسانی که خودشان را فمینیست می‌دانند با آن مخالفت نکنند» (ویکی راندال، ۱۹۹۱: ۵۱۶ به نقل از ویلفورد، ۱۳۷۵: ۳۴۳) نویسنده در این کتاب به هفت جریان اصلی فمینیستی

خوانش انتقادی کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیدجه کشاورز) ۳۴۹

پرداخته است: فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم رادیکال، فمینیسم روانکاوانه، فمینیسم سوسیالیستی، فمینیسم آگزیستانسیالیستی و فمینیسم پسامدرن. روشن است که تمایزها و تفاوت‌ها میان این نظریه‌ها تا حد زیادی با این واقعیت قابل توضیح است که فمینیسم در متن سنت‌های فکری متفاوتی مانند لیبرالیسم، مارکسیسم، سوسیالیسم، آگزیستانسیالیسم و پسامدرنیسم شکل گرفته است. فمینیست‌ها با مقدمات اساسی و خاص هر یک از این سنت‌های فکری و سیاسی همراه شدند. بدین ترتیب خط جداکننده فمینیست‌ها از یکدیگر ناشی از همراهی خودشان با یکی از این ایدئولوژی‌ها است (ویلفورد، ۱۳۷۵: ۳۴۷).

کتاب درکی روشن و قابل فهم از اصلی‌ترین سنت‌های فمینیستی به ما می‌دهد. هر چند نویسنده بر ضرورت ارائه تجربه زنان از اقشار، طبقات و گروه‌های قومی و نژادی متفاوت سخن می‌گوید و معتقد است نباید تفاوت‌های زنان به سود «زن جهان شمول» نابود شود اما حداقل در نسخه‌ای از کتاب (نسخه ۱۹۸۹) که به فارسی منتشر شده است، تسلط با ارائه تجربیات و نظریات نظریه‌پردازان سفیدپوست طبقه متوسط ساکن کشورهای غربی است. در این اثر صدای زنان سیاه، رنگین پوست، ساکن مناطق استعماری، آسیایی یا آفریقایی شنیده نمی‌شود، هر چند همان طور که پیشتر گفتم در چاپ‌های بعدی کتاب، بخش‌های مهمی از کتاب بازنویسی شده و کتاب شمول‌گراتر شده است. یکی از اشکالات کتاب این است که در هر فصل و هر مبحث متفکران کلیدی آن حوزه معرفی شده اند اما به جز در فصل فمینیسم لیبرال کمتر به نقش و جایگاه این متفکران در بطن جنبش فمینیستی یا به زمینه‌ای که آثار نظریه‌پردازان در آن منتشر شده و ارتباط بین اندیشه‌ای جریان‌های فکری فمینیستی، پرداخته شده است.

گرچه کتاب حاضر به رویکردهای اندیشمندان فمینیست غربی می‌پردازد و آرای نظریه‌پردازان فمینیست مسلمان و ساکن خاورمیانه از دایره بررسی کتاب به دوره مانده‌اند اما برخی از مباحثی که در کتاب مطرح شده‌اند، مسائل امروز ما نیز هست و شناخت و فهم نظریات کسانی که به این موضوعات اندیشیده‌اند و تجربیات خود و دیگر زنان را مستند کرده‌اند، می‌تواند برای ما آموزنده باشد. کتاب فاقد ساختار کتاب‌های درسی است با این وصف باید گفت که با توجه به کتاب‌های موجود در بازار ایران و در غیاب ترجمه کتاب‌های مرجع نظریه‌های فمینیستی بهتر، این کتاب با ترجمه روان و سلیس خود برای

۳۵۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۱

دانشجویان و محققانی که به دنبال فهم پیچیدگی‌های نظریه فمینیستی هستند، منبع معتبری است. پیشنهاد می‌شود نشر نی و مترجم محترم به منظور حفظ امانت و کاربردی‌بودن بیش‌تر کتاب، ترجمه ویرایش آخر کتاب (۲۰۱۸) را به خوانندگان عرضه کنند و با افزودن بخش سوالات و پیشنهاد مطالعات بیشتر در انتهای هر فصل، آن را به کتاب درسی دانشجویان تبدیل کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. می‌توان به کتاب‌های دیگری نیز اشاره کرد که مورد اقبال خوانندگان ایرانی بوده‌اند. کتاب جنس دوم سیمون دوبوار در سال ۱۳۶۰ توسط قاسم صنعوی ترجمه و منتشر شد. این کتاب در سال‌های اخیر به چاپ‌های متعددی رسیده است. جنبش اجتماعی زنان نوشته آندره میشل، در اوایل دهه ۱۳۷۰ توسط هما زنجانی زده منتشر شد. فمینیسم و دیدگاه‌ها مجموعه مقالاتی است که حاوی مقالات برخی اندیشمندانی است که در کتاب رزمی تانگ به آن‌ها پرداخته شده است و توسط گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی ایران در سال ۱۳۸۵ ترجمه و منتشر شده است. این کتاب نیز به چاپ‌های متعدد رسیده است. همچنین کتاب چستی فمینیسم نوشته کریس بیسلی و ترجمه محمد رضا زمردی در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان منتشر شده است.

۲. از سوی دیگر منتقدان نظرات فمینیستی نیز برای خوانش و نقد این نظریات تلاش‌هایی را صورت بخشیده‌اند، از میان کتاب‌هایی که با موضعی نقادانه و مخالف به بررسی نظریات فمینیستی پرداخته‌اند می‌توان به کتاب نقد فمینیسم نوشته نرگس رودگر، انتشارات مرکز تحقیقات زن و خانواده وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران اشاره کرد که در سال ۱۳۸۸ و با حمایت سازمان ملی جوانان منتشر شده است.

3. Towards a rational reconstruction of Anglo-American criminal law: The Insanity defense.
4. New Perspectives in Healthcare Ethics: An Interdisciplinary and Cross-cultural Approach.
5. Feminist Approaches to Bioethics: Theoretical Reflections and Practical Applications.
6. Feminine and Feminist Ethics.
7. Women, Sex, and the Law (New Feminist Perspectives).

خوانش انتقادی کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیدجه کشاورز) ۳۵۱

8. Ethics in Policy Analysis (Occupational Ethics Series), Prentice-Hall.

۹. منیژه نجم عراقی متولد ۱۳۳۱ در تهران است. او دانش آموخته مهندسی الکترونیک در مقطع فوق لیسانس از دانشگاه شیراز است. از او کتاب‌ها و مقالات دیگری به شکل تالیف و ترجمه در حوزه مطالعات جنسیت و نظریات فمینیستی منتشر شده است. از میان کتاب‌های ترجمه شده می‌توان به *جامعه شناسی زنان* نوشته پاملا ابوت و *کلر والاس، سرمایه‌داری، خانواده و زندگی شخصی* اثر ایلائی زارتسکی و *نگاهی به بیرون از زرفا* نوشته جولیت میچل اشاره کرد. هم‌چنین مقالات «جنسیت، رابطه و تفاوت در نگرش روان کاوی» نوشته نانسو چودوروف و «درباره جنبش زنان؛ مناظره‌ای فمینیستی» نوشته باریبارا ایستاین گویای سهم بارز او در شناساندن ادبیات مطالعات جنسیت به فارسی زبانان است. او با همکاری مرصده صالح پور و نسترن موسوی کتاب‌های منبع *شناسی زنان، زن و سینما* و *زن و ادبیات* را در حوزه مطالعات جنسیت و زنان منتشر کرده است.

کتاب‌نامه

- آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۰). *جامعه شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، تهران.
- اعزازی، شهلا (۱۳۹۳). *فمینیسم و دیدگاه‌ها*، مجموعه مقاله به کوشش شهلا اعزازی، ترجمه گروه مطالعات زنان انجمن جامعه شناسی، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- بیسلی، کریس (۱۳۸۵). *چیستی فمینیسم*، ترجمه محمد رضا زمردی، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- تانگ، رزمی (۱۳۸۷). *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران.
- تانگ، رزمی، ویلیامز، نانسو و دانچین، آن (۱۳۹۵). *اخلاق زنانه نگر*، ترجمه مریم خدادادی، ققنوس، تهران.
- چودوروف، نانسو جولیا (۱۳۹۳). «جنسیت، رابطه و تفاوت در نگرش روان کاوی»، منتشر شده در اعزازی، شهلا، *فمینیسم و دیدگاه‌ها*. مجموعه مقالات، ترجمه گروه مطالعات زنان انجمن جامعه شناسی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- فریدمن، جین (۱۳۸۱). *فمینیسم*، ترجمه فیروزه مهاجر، انتشارات آشیان، تهران.
- روباتام، شیلا (۱۳۸۵). *زنان در تکاپو؛ فمینیسم و کنش اجتماعی*، ترجمه حشمت الله صباغی، نشر شیرازه، تهران.

۳۵۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۱

- رودگر، نرگس (۱۳۸۸). *تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد فمینیسم*، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران.
- ریو سارسه، میشل (۱۳۸۵). *تاریخ فمینیسم*، ترجمه عبدالوهاب احمدی، انتشارات روشنگران، تهران.
- زارتسکی، ایلائی (۱۳۹۰). *سرمایه‌داری، خانواده و زندگی شخصی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات*، جلد دوم (قدرت هویت)، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات طرح نو، تهران.
- لگیت، مارلین (۱۳۹۱). *زنان در روزگارشان؛ تاریخ فمینیسم در غرب*، ترجمه نیلوفر مهدیان، نشر نی، تهران.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). *از جنبش تا نظریه اجتماعی؛ تاریخ دو قرن فمینیسم*، نشر شیرازه، تهران.
- میچل، جولیت (۱۴۰۰). *نگاهی به بیرون از ژرفا*، ترجمه منیژه نجم عراقی، انتشارات مون، تهران.
- میشل، آندره (۱۳۸۳). *جنبش زنان «فمینیسم»*، ترجمه هما زنجانی زاده، نشر نیکا، مشهد.
- نجم عراقی، منیژه؛ صالح پور، مرسله؛ موسوی، نسترن (۱۳۸۲). *زن و ادبیات؛ سلسله پژوهش‌های نظری درباره مسائل زنان (گزینش و ترجمه)*، نشر چشمه، تهران.
- نجم عراقی، منیژه؛ صالح پور، مرسله؛ موسوی، نسترن؛ صمیمی، مهرانا (۱۳۹۹). *زن و سینما (گزینش و ترجمه)*، نشر چشمه، تهران.
- نجم عراقی، منیژه؛ صالح پور، مرسله؛ موسوی، نسترن (۱۳۸۲). *منبع شناسی زنان (دو جلد)*، نشر دیگر، تهران.
- ویلفورد، ریک (۱۳۷۵). «فمینیسم»، فصلی از کتاب *مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی*، نوشته یان مکنزی و دیگران، ترجمه م. قاند، نشر مرکز، تهران.

Thébeaud, Françoise, (2002). « Introduction », In *Histoire des femmes en occident*, ((Seme volume), Sous la direction de Georges Duby et Michelle Perrot, le XX e Siècle sous la direction de Françoise Thébeaud, Plon, Paris, France.

Tong, Rosemarie and Fernandes Botts, Tina, (2018). *Feminist Thought, A more Comprehensive Introduction*, Routledge, New York, America.

Tong, Rosemarie, (2006). *New Perspectives in Healthcare Ethics: An Interdisciplinary and Crosscultural Approach (Basic Ethics in Action)*, Westview Press, America.

Tong, Rosemarie, (1996). *Feminist Approaches to Bioethics: Theoretical Reflections and Practical Applications*, Westview Press, America.

Tong, Rosemarie, (1993). *Feminine and Feminist Ethics*, Westview Press, America.

خوانش انتقادی کتاب نقد و نظر: درآمدی جامع ... (خدیجه کشاورز) ۳۵۳

Tong, Rosemarie, (1989). *Women, Sex, and the Law (New Feminist Perspectives)*, Rowman & Littlefield Publishers, America.

Tong, Rosemarie, (1986). « Ethics », in *Policy Analysis (Occupational Ethics Series)*, Prentice-Hall, Jan, Pearson College, America.